



دوشنبه ۲۹ شهریور ۱۴۰۰  
وطن امروز | شماره ۳۳۰۸

## فرهنگ و هنر

### اخبار

## تدوین ۱۷ قسمت از فصل جدید روزگار جوانی



فصل جدید مجموعه تلویزیونی «روزگار جوانی» به کارگردانی اصغر توسلی برای پیش از شبکه ۵ آماده می‌شود. به گزارش باشگاه خبرنگاران، مجموعه تلویزیونی «روزگار جوانی» به تهیه‌کنندگی سپهر محمدی و کارگردانی اصغر توسلی برای پیش از شبکه ۵ سیما آماده می‌شود. این روزها عوامل مشغول تدوین این سریال هستند. تاکنون ۱۷ قسمت از سریال «روزگار جوانی» تدوین شده است و همزمان صداگذاری آن انجام می‌شود که صداگذاری ۱۰ قسمت آن هم به پایان رسیده است. آرش بادیا آهنگسازی این کار را به عهده دارد. در خلاصه داستان این مجموعه تلویزیونی که به قصه زندگی جوانان متولد دهه‌های ۷۰ و ۸۰ می‌پردازد، آمده است: پس از گذشت سال‌ها، عباس آقا (بیوک میرزایی) تصمیم می‌گیرد بخشی از خانه مسکونی‌اش را به تعدادی جوان دانشجو اجاره دهد. دانشجویان جدید همسایه عباس آقا می‌شوند، بی‌خبر از اینکه... در تولید فصل جدید مجموعه تلویزیونی «روزگار جوانی» در گروه فیلم و سریال شبکه ۵ سیما از بهمن‌ماه ۹۹ شروع شده و قرار است در ۳۰ قسمت روی آنتن برود. فصل اول «روزگار جوانی» سال ۱۳۷۷ به تهیه‌کنندگی اصغر توسلی، کارگردانی شاپور قریب و اصغر توسلی و نویسندگی اصغر فرهادی روی آنتن شبکه ۵ رفت.

## «بلفاست» در جشنواره فیلم تورنتو جایزه گرفت

جایزه فیلم منتخب مردم جشنواره فیلم تورنتو ۲۰۲۱ به «بلفاست» ساخته کنت برانا رسید. به گزارش «وطن امروز» از سایت جشنواره، «بلفاست» موفق شد جایزه فیلم منتخب مردم را از جشنواره بین‌المللی فیلم تورنتو امسال دریافت کند. برانا در مراسم دریافت جایزه از نخستین نمایش جهانی «بلفاست» که در همین جشنواره انجام شد به عنوان یکی از به یادماندنی‌ترین تجربیاتش در تمام طول زندگی حرفه‌ای خود یاد کرد. فیلم برنده جایزه منتخب مردم معمولاً به معنی پیشگویی برای جوایز اسکار محسوب می‌شود؛ سال پیش «سرزمین آوارگان» کولتی زالو ابتدا برنده تورنتو شد و در نهایت به اسکار رسید. «کتاب سبزی» (۱۲ سال بردگی)، «سخت‌رانی پادشاه» و «میلیونر زاعنشین» نیز از دیگر فیلم‌هایی هستند که همین تجربه را پشت سر گذاشتند. جشنواره فیلم تورنتو که از سال ۱۹۷۶ شروع به کار کرده امسال چهارم‌ششمین دوره خود را (جمعاً ۱۹ شهرپور تا شنبه ۲۷ شهریور) برگزار کرد.

## «به خدای درختان انجیر» منتشر شد



کتاب سفرنامه «به خدای درختان انجیر» با موضوع اربعین روانه بازار نشر شد. به گزارش فارس، با نزدیک شدن به ایام اربعین حسینی (ع) و شروع پیاده‌روی اربعین، انتشارات سروش کتابی با عنوان «به خدای درختان انجیر» تألیف محسن حسن‌زاده را منتشر کرد. این اثر روایتی از سفر مولف به مدائن، العوه الفحل، طریق العلماء، طریق بنی‌سلم، کفل، عوفی، طویریج و مشاهد مشرفه عراق است که با نگاهی تیزبینانه ابعاد پیاده‌روی اربعین حسینی را به تصویر می‌کشد. نویسنده در مقدمه کتاب آورده است: سفر اربعین سال ۹۸، برای من از جنبه‌های گوناگونی، ویژه بود؛ شاید به همین خاطر است که جسارت کردم و قلم به دست گرفتم تا روایتگر این سفر باشم. طبعاً نه صاحب این قلم را توانایی آن است که زیبایی‌های اربعین را به بند واژگان بکشد و نه ماجراهای سفر محدود به سطوری است که در ادامه می‌آید. با این وجود کوشیده‌ام ضمن برهیز از اغراق، مشاهده‌گری صادق باشم که تنها به تماشای ظاهر اکتفا نمی‌کنم؛ نیز تلاش بر آن بوده که تا حد ممکن، در ثبت اطلاعات دقیق باشم و برای کسب اطلاعات جست‌وجو کنم. نتیجه، متنی هرچند ناقص اما تاریخ‌آلود و جغرافی‌اندود است! امید که تجربه سفر اربعین ۱۴۴۱، واپسین تجربه شیفتگان حقیقت نباشد.

## «داستان عکس» جلوی دوربین رفت

مجموعه مستند «داستان عکس» به کارگردانی مجتبی سعادت جلوی دوربین رفت. به گزارش «وطن امروز»، تصویربرداری مجموعه مستند «داستان عکس» به طراحی و کارگردانی مجتبی سعادت آغاز شد. این مجموعه مستند که در ۳ قسمت تولید می‌شود، داستان عکس‌های خاطر‌انگیز را از زبان عکاسان آن روایت می‌کند تا مخاطب با قصه آنها آشنا شود. هر قسمت از «داستان عکس» قصه ۵ عکاس را روایت می‌کند. تاکنون مهرداد اسکویی و مریم زندی جلوی دوربین رفته و از خاطرات عکاسی‌های خود گفت‌اند.

## مشق امشب آماده پخش جهانی

«مشق امشب» به کارگردانی اشکان نجاتی و مه‌رمان نعمت‌اللهی با نگاهی به آثار عباس کیارستمی آماده نمایش و پخش جهانی شد. به گزارش مهر، «مشق امشب» لایه‌های پنهان مسأله آموزشی و پرورش دانش‌آموزان ایران را به تصویر می‌کشد که از نگاه جامعه به دور مانده است. در خلاصه داستان این فیلم آمده است: «مدرسه به درد نمی‌خورد». پخش بین‌الملل فیلم به عهده شرکت Iranian independents به مدیریت محمد اطیابی است.

### حضرت امام صادق (ع)

آن کس که هنگام خفم، طمع، ترس و خواهش نفس، خویشتندار باشد، خدا بدین را بر آتش حرام می‌کند.

### روزنامه سیاسی، فرهنگی، اجتماعی، اقتصادی

صاحب‌امتیاز و مدیرمسئول: محمد آخوندی  
سرمدیز: سید عابدین نورالدینی

نشانی: خیابان انقلاب اسلامی، بین حافظ و خیابان ولیعصر (عج)، کوچه سعید، پلاک ۹  
روابط عمومی: ۶۶۴۱۳۷۲۸۲  
تحریریه: ۶۶۴۱۳۷۲۸۲  
نمابر: ۶۶۴۱۳۱۳۷  
پایمک: ۱۰۰۰۲۳۲۱  
پست الکترونیک: info@vatanemrooz.ir  
چاپ: موسسه جام‌جم برتر برنا  
توزیع: نشر گستر امروز: ۶۱۹۳۲۰۰

# وطن امروز

## روایت نویسنده کتاب «کشکول میرزااجواد آقا» از روند نگارش اثر در وصف شهید مدافع حرم جواد کوهساری

# شرمندهام جواد، دیر شد

نگفتم، گفت: «لان به خاطر دل خودت من رو نگه ندار، هر اتفاقی بخواد بیفته همین مشهد هم ممکنه برابم بیفته. حرم موسی بن جعفر (ع) تنهاست. از امام رضا (ع) خجالت می‌کشم. به خواهرام کاری ندارم، من بابت این قضیه نباید از اینها کسب تکلیف و اجازه کنم ولی شما مادر منی، می‌تونی روز قیامت جلوی حضرت زهرا سرت رو پایین بندازی؟...»  
به پنهان انتشار جدیدترین اثر حوزه نشر در وصف شهدای مدافع حرم، قصد داشتم با محمدمهدی احمدیان، نویسنده و محقق کتاب «کشکول میرزا جواد آقا» به گفت‌وگو بنشینم اما احمدیان تصمیم گرفت تمام نکات و مباحث مربوط به این کتاب را در قالب دلنوشته‌ای خطاب به شهید مدافع حرم جواد کوهساری به نگارش دربریاورد که در ادامه می‌آید.

گروه فرهنگ و هنر: کتاب «کشکول میرزااجواد آقا» روایتی از زندگی شهید مدافع حرم جواد کوهساری، به قلم محمدمهدی احمدیان و توسط انتشارات «راه بار» روانه بازار نشر شد. این کتاب حاصل تدوین و گردآوری ۴۲ ساعت مصاحبه با خانواده، دوستان و آشنایان شهید کوهساری است که ۲۶ تیر سال ۱۳۹۴ در نبرد با تروریست‌های داعش در اطراف شهر فلوچه به شهادت رسید. «کشکول میرزااجواد آقا» در چهار فصل، خاطراتی را درباره مراحل مختلف زندگی این شهید مدافع حرم روایت کرده است. بخش پیوست کتاب هم به تصاویری از مقاطع زندگی شهید اختصاص دارد، همچنین در بخشی از این کتاب می‌خوانیم: گفت: «هنگه وقتی ما بچه بودیم و شما ما رو مدرسه می‌بردی، به ما نمی‌گفتی من اگه شما رو می‌برم و می‌آرم به خاطر دل خودمه؛ اگر نه هر اتفاقی بخواد بیفته، توی خونه هم ممکنه براتون بیفته». فقط نگاهش کردم... هیچی



بودن هم دردناک است، چه رسد به تصور اینکه به جای او باشی. مصاحبه دست من نبود. او همه کاره بود و هر جا دوست داشت می‌رفت. خوش‌سلیقگی کرد و از خبر شهادت شروع کرد و از آخر به اول آمدیم. کم‌کم برید و تاب نیاورد و آرام «افتاد از نفس...» حال برادر از دست داده را چه کسی می‌داند؟ و این اتفاق چقدر تکرار شد. هر وقت با خانواده‌ها گفت‌وگو می‌کردم، قصه همین بود. می‌دانی مهدی (برادر) دیگر مثل قبل نمی‌خندد. خواهرت دیگر پله‌ها را دو تا یکی نمی‌کند و شور و نشاط سابق را ندارد. حق می‌دهی؟ مصاحبه دوستانت که بیرون می‌آمد، از فرط خنده، گوییم درد می‌کرد. پسر تو چه موجودی بودی؟ مگر می‌شود این همه جمع اصدا؟! دوستانت هم می‌خنداندند و هم می‌گریاندند. اما هم صحبتی با خانواده، به روضه عادت‌م داده بود. اشک دوستانه را دیدم که حتی خودت هم هیچ وقت اشکشان را ندیده بودی. اضافه همه دوستان و خانواده‌ها در حق‌مان لطف کردند. مادرت از همه بیشتر. آذرماه ۹۸ بود، مصاحبه‌ها تمام شده بود. البته بعضی حاضر به مصاحبه نشده بود. بعضی هم حرفه‌هایی زدند که فعلاً باید آرشید شود و بماند برای آینده. کتاب را به جاهایی رسانده بودیم، هنوز نهایی نبود اما خیلی پیش رفته بودیم. به مناسبت هفته بسیج در یکی از مدارس مشهد، با دانش‌آموزان گفت‌وگو می‌کنیم؛ طولی نمی‌کشید؛ به همین خاطر لپ‌تاپم را در ماشین گذاشتم. از مدرسه که بیرون آمدم نه مانشین بود و نه لپ‌تاپ. راستش روز قبل یکی از دوستان پیشنهاد داد که یک نسخه از متن کتاب را برایش بفرستم اما قبول نکردم. احساس می‌کردم باید یک بار دیگر بخوانمش. هیچ رونوشتی از مطالبم نداشتیم. شاکمی بودم. آمدم بسر مزارت به شکایت، مادرت آرام روی همان

۴ سال قبل، نخستین بار مادرت را در سالن مرکزی کران جشنواره مردمی فیلم عمار در مشهد که آن سال در سینما قدس، برگزار می‌شد دیدم. اشتیونم کنتم سال ۹۶ و هفتمین دوره جشنواره بود. آن روز قرار بود از همسر یکی از شهدای مدافع حرم گردانی کنیم؛ شهید عالمی یا همان ابوسجاد خودمان. هر چه فکر کردیم چه شخصیتی هم‌سنگ شخصیتش است که برای اهدای لوح از او کمک بگیریم، کسی را جز مادر شهید پیدا نکردیم. زحمتمش افتاد گردن مادرت. خرده بگیر. انسان است و فراموشکار، گاهی فراموش می‌کند یا چه کسی طرف است. آن روزها، مادرم تازه به رحمت خدا رفته بود. هنوز اربعینش نشده بود و روزهای سختی را می‌گذراند. ۲۰ سال از شهادت گذشته بود. غم ۴۰ روزه خودم

با غم دوری تو بر دوش مادرت مقایسه می‌کردم. مادر است دیگر. علی‌القاعده شهادتت باید خیلی تحت تأثیرش قرار دهد. منتظر بپیرزنی افتاده بودیم که غم فرزند، زمینش زده است و یکی دستش را گرفته و وارد سالن می‌شود. اما او کوه بود؛ محکم، استوار. این نخستین آشنایی من و تو بود. از این اتفاق مدتی گذشت. کم‌کم ناآرامی‌های مسوره به از اوجش فاصله گرفته بود. در دفتر مطالعات جبهه فرهنگی انقلاب اسلامی کار گروه شهدای مدافع حرم به تازگی شکل گرفته بود و بخشی از خانواده‌های شهدا شناسایی شده بودند. آنجا بیشتر با تو آشنا شدم و قرار شد کاری انجام شود. مصاحبه‌ها شروع شد. همکارم خانم احسن مقدم، مزاحم مادر و خواهرانت می‌شد و من مزاحم برادر و پدر و دوستان. فراموش‌شدنی نیست؛ نخستین جلسه مصاحبه با برادر، «لوح روضه بود»؛ انگار لهوف می‌خواند. آن تو می‌گفت. برادرش، نه همه کس و همه چیزش. وقتی برادری روضه برادرش را می‌خواند، شهادتت شروع کرد

نخستین جلسه مصاحبه با برادر، «لوح روضه بود»؛ انگار لهوف می‌خواند. آن تو می‌گفت. برادرش، نه همه کس و همه چیزش. وقتی برادری روضه برادرش را می‌خواند، شهادتت شروع کرد

بود که در سوریه و عراق، شما جلوی‌شان ایجاد کردید. ما تا قیامت مدیون خون سینه تو و امثال تو هستیم. شرمندهام جواد. خیلی دیر شد. ۲۷ جلسه و حدود ۴۲ ساعت مصاحبه با وجود تدوینگری بی‌هری چون من، نمی‌دانم چه از آب درآمده؛ اما امیدوارم حق مطلب ادا شده باشد. متن کتاب دست به دست می‌شود و مصاحبه‌شونده‌ها با خاطرات خود، کتاب را جلو می‌برند. بعضی وقت‌ها که یک خاطره را از زبان چند نفر شنیدم یا مجبور بودم خاطره‌ها را تلفیق کنم، نام همه راوی‌ها را ابتدای خاطره آوردم. همه سعی‌ام را کردم که به مصاحبه‌ها پایبند بمانم و عین کلام را ذکر کنم. قلم را کاملاً کنترل کردم. حتی قلاب‌های خاطرات، اصل کلام مصاحبه‌شونده است. مگر اینکه مجبور شدم و کمی جای فعل و فاعل را عوض کردم. در فصل اول شخصیت جواد را معرفی کردیم. کمی از قید زمان آزاد است و بیشتر، اتفاق‌ها و خاطره‌ها مدنظر است. همه سعی‌مان را کردیم که خاطره بگوییم و با تمام احترامی که برای همه بزرگواران قائلیم، تحلیل‌های مصاحبه‌شونده را حذف کنیم اما بعضاً ناگزیر بودیم. فصل دوم، کاملاً مفید به زمان است و اتفاق‌ها بر اساس سیر زمانی پشت سر هم ذکر شده. باز هم اصل مصاحبه با تغییرات اندکی آمده است. این فصل مربوط می‌شود به آغاز ناآرامی‌های منطقه و اینکه او چطور با اوضاع منطقه آشنا شد و تقای رفتش را نشان دادیم. در قسمت دوم از فصل دوم، اتفاقات ۶ روزه حضورش در عراق را عنوان کردیم. بیشتر کسانی که در این ۶ روز با او بودند، یعنی مصطفی عارفی، محمد اسدی و محمد جاودانی، قبل از شروع پژوهش ما به شهادت رسیده بودند. بقیه هم نیروهای حشدالشعبی هستند که در دسترس ما نیستند. جواد از خودت کمک می‌خواهم که بر دل مخاطب بنشینیش. حالا که به فرموده قرآن؛ به فضل خدا شادمانی و به دوستانت بشارت «لا خوف علیهم و لا هم یحزنون» می‌دهی، در قیقه مستانتهای فراموش‌مان نکن. شما از مردان هستی که پایبندی‌تان به عهده‌ای که با خدا بستید، شایسته شهادت‌تان کرد و ما اگر سنگ نبودیم، مجاورت با شما باید مشابهت ایجاد می‌کرد. والان در زمره «پای‌انگیز» می‌باشیم. البته که لایق نیستیم اما تو جواد باش و دعایم کن.



### برگزاری دوره آموزشی یک‌روزه «صاحب قلم»

## افخمی از شخصیت‌پردازی «پهلوان» گفت



مرحله مقدماتی پذیرفته شده بود، مدت زمان کوتاهی به معرفی ایده‌ها خود پرداختند. بهروز افخمی، نویسنده و کارگردان سابقه سینما و تلویزیون نیز در بخش بعدی این برنامه، کارگاه شخصیت‌پردازی «پهلوان» در سینما و تلویزیون را برگزار کرد. بهروز افخمی با مرور قهرمان‌های ادبیات کلاسیک و سینمایی ایران، ویژگی‌های اصلی و ابعاد مختلف شخصیت‌پردازی برای ساخت یک «پهلوان» در اثر نمایشی را بررسی کرد. در بخش پایانی این برنامه نیز محمداصفا باطنی در فضای تعاملی و دوطرفه، کارگاهی با محوریت «ویای ایرانی» در سینما و تلویزیون برای شرکت‌کنندگان برگزار کرد. رویداد فیلمنامه‌نویسی «صاحب قلم» با همکاری اداره کل فیلمنامه‌نویسی مرکز سیمافیلم، مرکز شهید آوینی، بسیج سازمان صداوسیما و همچنین مرکز ناواری رسانا برگزار می‌شود.

دوره آموزشی یک‌روزه «صاحب قلم» با حضور بهروز افخمی و جلیل نسامان برگزار شد. به گزارش روابط عمومی سیمافیلم، به‌گزیدگان مرحله اول رویداد فیلمنامه‌نویسی «صاحب قلم» در دوره آموزشی یک‌روزه این رویداد در مرکز ناواری رسانا شرکت کردند. در بخش ابتدایی این دوره آموزشی، سعید معدنکن، مدیر اداره کل فیلمنامه مرکز سیمافیلم به تبیین رویداد «صاحب قلم» و اهداف شکل‌گیری آن پرداخت. کارگاه انتقال تجربه و آموزش «شخصیت‌پردازی» در آثار نمایشی، توسط جلیل سلیمان، نویسنده و کارگردان سینما و تلویزیون برگزار شد و شرکت‌کننده‌ها نیز در طول برگزاری این کارگاه با فیلمساز به‌گفت‌وگو پرداختند. در بخش بعدی این دوره یک‌روزه، برنامه‌جینی توسط شرکت‌کننده‌ها با محوریت معرفی ایده‌ها و طرح‌ها برگزار شد. در این برنامه، شرکت‌کننده‌هایی که آثارشان در

### تازه‌ترین اظهار نظر وزارت ارشاد درباره اعطای مجوز به VODها:

## دنبال حل مشکلات مربوط به «وی اودی»ها هستیم



بازه به وجود آمده است و ما دنبال حل آن هستیم. وی ادامه داد: به همین دلیل ان‌شاه‌الله بزودی روابط سازمان صداوسیما و ارگان‌های دیگر جلساتی برگزار خواهیم کرد تا این مسأله را تعیین تکلیف و از این موضع اختلافی خارج کنیم. اسماعیلی همچنین درباره این سوال که آیا سازمانی که می‌خواهد مجوز وی‌اودی‌ها را اعطا کند مشخص نیست؟ بیان داشت: چرا، مشخص است و الان سازمان سینمایی این مسؤولیت را برعهده دارد و برخی دیگر از دوستان برخی از وی‌اودی‌ها را در دست دارند که باید از این حال دربیایند. اظهارات وزیر ارشاد در حالی است که در گذشته با پررنگ شدن نقش ساترا اعطای مجوزهای نظارتی از سمت سازمان سینمایی با چالش‌هایی مواجه شده بود.

وزیر فرهنگ و ارشاد اسلامی گفت: نهادهایی که قرار است اعطای مجوز در شبکه نمایش خانگی را بر عهده داشته باشند مشخص شده‌اند و گزارش‌های کاملاً کارشناسی ارائه داده‌اند که در اختیار شورای عالی فضای مجازی قرار گرفته است و بسزای و ظرف مدت کوتاهی تعیین تکلیف خواهد شد. به گزارش «وطن امروز»، در حالی که چالش‌های نظارتی و ممیزی پیرامون VODها هر روز بیشتر از گذشته می‌شود، وزیر ارشاد در اظهارنظری تازه گفته است: وضعیت اعطای مجوزها باید از این حال دربیاید. اسماعیلی در گفت‌وگوی کوتاهی با فارس، درباره اینکه اعطای مجوز به وی‌اودی‌ها با ساترا است یا وزارت ارشاد یا صداوسیما، گفت: به سال‌های اخیر اختلافاتی در این

### از نسخه صوتی «گم‌شده دره سبز»، «جشن حنابندان» و «مربع‌های قرمز» رونمایی می‌شود

## انتشار گزارش‌های مقاومت



گزارش با ذوق و علاقه شخصی نویسنده و در طول عملیات کربلای ۵ نوشته شده است. مقطع زمانی آغاز گزارش دوم، یکم آذر سال ۱۳۶۶ است و تا ۱۲ فروردین سال ۱۳۶۷ ادامه می‌یابد. گزارش دوم مربوط به عملیات بیت‌المقدس ۴ و در مناطق غربی کشور و بخشی از خاک عراق (از جمله حوادث مربوط به بمباران شیمیایی حلبچه) است. نویسنده هر ۲ گزارش را از میان خاطرات رزمندگان لشکر ۲۷ محمد رسول‌الله (ص) گردآوری کرده است. او در گزارش دوم، از میان دسته‌های مختلف، دسته ۸ سال جنگ تحمیلی نوجوانی بیش نبود و با سن کم و با

ایمان را که به خط‌شکنی معروف بودند، انتخاب کرده کار را با آن دسته شروع کرده است. در این کتاب از نحوه برخورد رزمندگان ایرانی با اسرای عراقی و دیدار از حلبچه و ابراز انزجار و تنفر مردم عراق از صدام در سال‌های جنگ، خاطراتی جذاب و خواندنی نوشته شده است. کتاب «گم‌شده دره سبز» خاطرات محمداعلی کاظمی، رزمنده هر ۱۶ ساله عملیات خیبر از سال‌های جنگ و اسارت به قلم سیده مریم بازگانی است که در زمان ۸ سال جنگ تحمیلی نوجوانی بیش نبود و با سن کم و با

شور حال نوجوانی در جبهه‌های جنگ حاضر می‌شود و در استفاده ۶۲ در عملیات خیبر در سن ۱۶ سالگی به مدت ۷ سال به اسارت نیروهای عراقی درمی‌آید. کتاب «مربع‌های قرمز»، عنوان سوال‌برانگیزی است که جلد کتاب نیز براساس آن طراحی شده است. این اثر به خاطرات حاج‌حسین یکتا از دفاع مقدس در این کتاب برجسته شده است. او در مقدمه می‌نویسد: هر چه از رشادت هم‌زمانم و غربت و مظلومیت‌شان می‌دانستم در روایتگری‌هایم گفته بودم. با متکوب کردن خاطراتم دنبال ناگفته‌های از بچه‌ها بودم؛ دنبال سبک‌بندی کردن‌شان، سبک عبادت‌شان، سبک رفاقت‌شان، دنبال سبک زندگی کردن‌شان در جنگ؛ سبکی که این روزها جایش در میان جریان زندگی جوانان شدت خالی است.